پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۱۰۳-۱۲۵ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 39, Autumn & Winter 2026/2027

بازسازی نظام ارزش‌گذاری ثروت و مدیریت مالی در قرآن کریم؛ مطالعه‌ای با رویکرد نظریهٔ داده بنیاد

مجید فقیه[۱]، امیر احمدنژاد[۲]، محمدرضا حاجی اسماعیلی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۰۷)

چکیده

ثروت و مدیریت مالی از مهم‌ترین موضوعات قرآن کریم است که تاکنون بیشتر به صورت موضوعی بررسی شده است. پژوهش حاضر با هدف بازسازی جایگاه ثروت و مدیریت مالی در منظومهٔ ارزش‌های قرآن کریم انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی با رویکرد نظریهٔ داده‌بنیاد است. داده‌های پژوهش از ۱۶۲ مدخل قرآنی مرتبط با ثروت گردآوری، و از طریق کدگذاری باز و استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که جایگاه ارزشی ثروت و مدیریت مالی در قرآن، تابع منظومهٔ ارزش‌های الهی است. در فرایند تحلیل، هشت مقولهٔ اصلی شامل منشأ حقیقی ثروت و نحوهٔ نگرش به آن، آداب و اخلاق در امور مالی و ممنوعیت‌های مالی، انفاق و توزیع عادلانهٔ ثروت، حقوق مالی خانواده و مدیریت مصرف ثروت شخصی استخراج شد. برآیند تحلیل نظام‌مند داده‌های قرآنی حکایت از آن دارد که ارزش یا ضد ارزش بودن ثروت، نه به ماهیت آن، بلکه به نسبت آن با مجموعه‌ای از ارزش‌های الهی وابسته است. براین‌اساس، پژوهش حاضر با ارائهٔ مدلی مفهومی، نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآن دربارهٔ ثروت، اجزای پراکنده‌ای از احکام مالی نیست، بلکه شبکه‌ای منسجم از ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد که رفتار اقتصادی انسان را در ساحت‌های مختلف زندگی تعیین می‌کند.

کلید واژه‌ها: ثروت، مدیریت مالی، منظومهٔ ارزش‌ها، نظریهٔ داده‌بنیاد، تحلیل محتوای کیفی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران؛ 1287407684@iau.ir
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛ 09011187631@iau.ir
۳. استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ 1287804081@iau.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

۱. بیان مسئله

ثروت از مهم‌ترین نعمت‌های مادی است که قرآن کریم در ابعاد گوناگون به آن پرداخته و آن را در پیوند با ایمان، اخلاق، عدالت و مسئولیت اجتماعی ارزیابی کرده است. در نگرش قرآنی، مال از یک سو نعمتی الهی و وسیله ای برای قوام زندگی انسان معرفی شده: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (النساء، ۵) و از سوی دیگر بهره‌مندی از روزی‌های پاکیزه الهی امری مشروع و مطلوب دانسته شده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (الاعراف، ۳۲). در مقابل، قرآن درباره دلبستگی افراطی به مال، تکاثر، بخل، ربا، اسراف و هرگونه بهره‌برداری ناعادلانه از ثروت هشدار داده است (التکاثر، ۱-۲؛ البقره، ۲۷۵-۲۷۹؛ الاسراء، ۲۶-۲۷). این مجموعه آیات نشان می‌دهد که ثروت در منطق قرآن نه به خودی خود ارزش مثبت دارد و نه ارزش منفی، بلکه جایگاه آن تابع نحوه قرار گرفتن در چارچوب ارزش‌های الهی است.

تأمل در آیات قرآن حاکی از آن است که آموزه‌های مربوط به ثروت، فقط ناظر به احکام اقتصادی نیست، بلکه طیفی گسترده از مباحث اعتقادی، اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. قرآن، خداوند را مالک حقیقی همه دارایی ها معرفی می کند (الحدید، ۷)، انسان را امانت‌دار نعمت‌های الهی می‌داند (النور، ۳۳)، انفاق را نشانه ایمان و زمینه تزکیه معرفی می‌کند (البقره، ۳؛ البقره، ۲۶۱)، ربا را اعلان جنگ با خدا و رسول می‌شمارد (البقره، ۲۷۹)، حقوق مالی خانواده را با دقت تبیین می‌کند (النساء، ۱۱-۱۲) و اعتدال در انفاق را یکی از ویژگی‌های بندگان شایسته خداوند می‌داند (الفرقان، ۶۷). این گستره موضوعی، بیان‌گر آن است که رویکرد قرآن به ثروت در قالب نظام ارزشی جامعی بازتعریف می‌شود. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که جایگاه ثروت و مدیریت مالی در منظومه ارزش‌های قرآن کریم چگونه قابل بازسازی است؟ از این‌رو، نوآوری پژوهش حاضر در انتقال تحلیل از سطح موضوعات پراکنده به سطح بازسازی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

منظومه ارزش‌های حاکم بر ثروت و مدیریت مالی در قرآن کریم است.

از آنجا که نظریه داده‌بنیاد، امکان استخراج الگوی نظری از دل داده‌ها را بـدون تحمیـل چارچوب‌های مفهومی از پیش‌ساخته فراهم می‌آورد، پژوهش حاضر با بهره‌گیـری از ایـن روش، درصدد بازسازی جایگاه ثروت و مدیریت مالی در منظومه ارزش‌های قـرآن کـریم برآمده است. برای این منظور ۱۶۲ مدخل قرآنی مرتبط با ثروت، طی فرایند کدگذاری بـاز و استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی تحلیل شد که فرایند پژوهش و نتیجهٔ به‌دست در پـی خواهد آمد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

جست‌وجو در وبگاه نورمگز که مهم‌ترین و جامع‌ترین وبگاه در زمینه نمایه مقالات بـه شمار می‌آید، حاکی از آن است که در موضوع ثروت و مدیریت مالی از دیدگاه قرآن و بـه ویژه نظام ارزش‌گذاری مالی پژوهش مشابهی در قالب مقاله انجام نشـده اسـت. در ادامـه عنوان سه پژوهش با موضوع ثروت و پرسش اصلی هریک از نظر می‌گذرد تـا نشـان داده شود که مقاله کنونی هم از نظر روش و هم از لحاظ موضوع سابقهٔ قابل توجهی ندارد.

ـ نقش و تأثیر بندگی الهی در نظام توزیع عادلانه از دیدگاه قرآن، رجبـی ده برزویـی، اصغر و دیگران، نشریهٔ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، تابستان ۱۴۰۰

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که بندگی الهی چـه نقـش و تـأثیری در توزیع عادلانه ثروت از دیدگاه قرآن دارد. پژوهش‌گر به این نتیجه می‌رسد که توزیع ثروت در نظام اقتصادی اسلام در قبل و بعد از تولید، براساس معیار کار و مالکیت از یـک سـو و حد کفایت و نیاز از سوی دیگر، تأمین‌کننده عدالت است.

ـ اعتدال در بخشش اموال از دیدگاه قرآن و روایات، دلیری، کـاظم، نشـریه ره توشـه، بهار ۱۳۹۹

پژوهش‌گر این مقاله به بررسی اعتدال در بخشش (مفهـوم مقابـل اسـراف در انفـاق) و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

جوانب آن از منظر آیات و روایات می‌پردازد. این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسشی انجام نشده و در قالبی گزارش‌گونه به نگارش درآمده است.

ـ قانون اساسی و توزیع ثروت، احمدی، نعمت، نشریه حافظ، تیرماه ۱۳۸۴

مقاله نام‌برده نظام توزیع ثروت را بر پایهٔ قانون اساسی پی می‌گیرد و بنابراین از منظر مبنا و روش هیچ‌گونه هم‌پوشانی و تشابهی با پژوهش حاضر ندارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از حیث رویکرد، پژوهشی کیفی است که با روش نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. نظریه داده‌بنیاد، روشی نظام‌مند برای تولید نظریه از دل داده‌هاست که در آن، مفاهیم، مقوله‌ها و روابط میان آن‌ها از طریق فرایند مستمر کدگذاری و مقایسه داده‌ها استخراج می‌شود و چارچوب نظری پژوهش به‌صورت تدریجی شکل می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴؛ دانایی‌فرد، ۱۳۸۴؛ دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳). از آنجا که هدف این پژوهش، بازسازی نظام ارزش‌گذاری ثروت و مدیریت مالی در قرآن کریم براساس داده‌های قرآنی و بدون تحمیل چارچوب‌های نظری از پیش‌تعیین‌شده بود، روش نظریه داده‌بنیاد متناسب‌ترین رویکرد برای دستیابی به این هدف تشخیص داده شد.

در فرایند تحلیل داده‌ها، علاوه بر مبانی نظریه داده‌بنیاد، از فنون تحلیل محتوای کیفی برای مطالعه نظام‌مند متون بهره گرفته شد. تحلیل محتوای کیفی، امکان شناسایی، طبقه‌بندی و سازمان‌دهی مفاهیم موجود در متن را فراهم می‌آورد و زمینه استخراج الگوهای مفهومی را مهیا می‌سازد (هولستی، ۱۳۷۳؛ کریپندورف، ۱۳۷۸؛ باردن، ۱۳۷۵؛ فیروزان، ۱۳۶۰). در این پژوهش، تحلیل محتوا به عنوان فن تحلیل داده‌های متنی در خدمت اجرای نظریه داده‌بنیاد قرار گرفت.

بانک اطلاعاتی پژوهش، تمامی آیات مرتبط با ثروت و مدیریت مالی در قرآن کریم را

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

تشکیل می‌دهد. در مرحلهٔ نخست، با مطالعه کامل قرآن کریم، آیات مرتبط شناسایی و گردآوری شد. سپس طی چند مرحله بازبینی و پالایش، آیات دارای هم پوشانی مفهومی یا ارتباط غیرمستقیم بررسی و سامان‌دهی گردید و در نهایت، پیکرهٔ پژوهش در قالب ۱۶۲ مدخل قرآنی شکل گرفت. در مواردی که چند آیه مضمونی واحد را تشکیل می‌داد، به‌منظور حفظ پیوستگی معنایی، در قالب بازه‌ای از آیات به منزله یک واحد تحلیل در نظر گرفته شد.

واحد تحلیل در این پژوهش، مفهوم یا گزارهٔ ارزشی مستخرج از هر مدخل قرآنی است. بدین ترتیب، پس از مطالعه دقیق هر مدخل، مفاهیم اولیه استخراج و در قالب کدهای اولیه ثبت شد. سپس کدهای هم معنا یا دارای پیوند مفهومی، براساس روش مقایسه مستمر، در مقوله‌های فرعی و پس از آن در مقوله‌های اصلی سازمان‌دهی گردید. در مرحله پایانی نیز با تحلیل روابط میان مقوله‌های اصلی، مقوله هسته استخراج و مدل مفهومی پژوهش تدوین شد. این فرایند مطابق مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام گرفت که از ارکان اصلی نظریه داده‌بنیاد به شمار می‌رود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴؛ دانایی‌فرد، ۱۳۸۴).

در تمامی مراحل تحلیل، اصل مقایسه مستمر داده‌ها رعایت شده است، با این توضیح که هر کد جدید با کدهای پیشین، هر مقوله با سایر مقوله‌ها و تمامی یافته‌ها به‌طور مکرر با متن آیات قرآن تطبیق داده شد. این فرایند تا زمانی ادامه یافت که مفاهیم استخراج شده از انسجام کافی برخوردار شد و مقوله های اصلی توان تبیین داده های پژوهش را پیدا کرد. همچنین بازگشت مکرر به متن آیات و بازبینی چندباره کدگذاری‌ها، از شکل‌گیری برداشت‌های شتاب‌زده یا تحمیل پیش‌فرض‌های ذهنی بر داده‌ها جلوگیری کرد و زمینهٔ دستیابی به اشباع نظری را فراهم ساخت (استراوس و کوربین، ۱۳۸۴؛ دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳).

به‌منظور افزایش استحکام تحلیل، فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی طی چند مرحله بازبینی و اصلاح شد و در هر مرحله، نتایج با متن آیات مطابقت داده شد. افزون بر این، ارزیابی انسجام درونی مقوله‌ها، تمایز مفهومی میان مقوله‌های اصلی و فرعی و ارتباط

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

منطقی آن‌ها با مقوله هسته، به‌طور مستمر انجام گرفت. بهره‌گیری از اصول تحقیق کیفی، استفاده نظام‌مند از فنون تحلیل محتوا و رعایت منطق مقایسه مستمر در نظریه داده‌بنیاد، استحکام فرایند تحلیل و انسجام مدل مفهومی استخراج‌شده تقویت کرده است (عزتی، ۱۳۷۶؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۱؛ هولستی، ۱۳۷۳؛ کریپندورف، ۱۳۷۸؛ باردن، ۱۳۷۵).

در مجموع، پژوهش حاضر با تلفیق ظرفیت های نظریه داده بنیاد و فنون تحلیل محتوای کیفی، کوشیده است بر پایهٔ داده های قرآنی و با پرهیز از تحمیل چارچوب های مفهومی ازپیش ساخته، نظام ارزش گذاری ثروت و مدیریت مالی در قرآن کریم را بازسازی و الگوی مفهومی برآمده از این داده‌ها را ارائه کند.

جدول ۱. فرایند تحلیل داده‌ها

ردیف	عنوان
۱	استخراج آیات
۲	تشکیل پیکرهٔ نهایی
۳	کدگذاری باز
۴	تعیین مقوله‌های فرعی
۵	تعیین مقوله‌های اصلی
۶	استخراج مقولهٔ هسته و مدل مفهومی

٤. یافته‌های پژوهش

براساس فرایند کدگذاری و مقوله بندی، مقوله هسته پژوهش باعنوان «جایگاه ارزشی ثروت و مدیریت مالی در قرآن تابع منظومه ارزش‌های الهی است» استخراج شد. این مقوله بیان‌گر آن است که از منظر قرآن، ارزش یا ضدارزش بودن ثروت نه به خودِ ثروت، بلکه به نسبت آن با نظام ارزشی الهی وابسته است. از این‌رو، منشأ کسب ثروت، شیوه بهره‌برداری از آن، نحوه توزیع، رعایت حقوق دیگران و حتی نگرش انسان به دارایی، همگی در تعیین جایگاه ارزشی ثروت نقش دارند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

برپایه تحلیل داده‌ها، مقوله‌های استخراج‌شده در قالب پنج ساحت اصلی سامان یافت: جایگاه هستی‌شناختی، جایگاه اخلاقی، جایگاه اجتماعی، جایگاه خانوادگی و جایگاه فردی. این ساحت ها در کنار یکدیگر تصویری منسجم از نظام ارزشی قرآن درباره ثروت ارائه می‌کند و نشان می‌دهد که قرآن در عوض ارائه نگرشی تک‌بعدی به ثروت، آن را در پیوند با ابعاد مختلف حیات انسان ارزیابی می‌کند.

٤-١. جایگاه هستی‌شناختی ثروت

نخستین ساحت استخراج‌شده از داده‌ها، جایگاه هستی‌شناختی ثروت است. تحلیل آیات بیان‌گر آن است که قرآن پیش از بیان احکام، توصیه‌های اخلاقی یا الزامات اجتماعی، تصویری بنیادین از حقیقت ثروت ارائه می‌کند. در این ساحت، ثروت نه به‌عنوان یک واقعیت مستقل، بلکه به‌عنوان جزیی از نظام ربوبی عالم معرفی می‌شود. برهمین‌اساس، نگرش انسان به ثروت نیز باید متناسب با این حقیقت هستی‌شناختی شکل گیرد.

این ساحت از دو مقولهٔ فرعی «منشأ حقیقی ثروت» و «نحوه نگرش به ثروت» تشکیل شده است.

٤-١-١. منشأ حقیقی ثروت

براساس آنچه گفته شد بنیادی‌ترین مؤلفه در بازسازی جایگاه ثروت در منظومه ارزش‌های قرآن، تبیین منشأ حقیقی آن است. برخلاف نگرش‌هایی که ثروت را حاصل استقلال انسان یا صرفاً محصول عوامل مادی می‌داند، آیات قرآن مالکیت حقیقی همه دارایی‌ها را از آنِ خداوند معرفی می‌کند و انسان را فقط بهره‌مند و امانت‌دار نعمت‌های الهی می‌داند. براین‌اساس، ثروت جلوه‌ای از رزق، فضل و رحمت الهی است که براساس حکمت الهی در اختیار انسان قرار می‌گیرد (آل‌عمران، ۲۶ و ۲۷[1]؛ النحل، ۷۱؛ الحدید، ۷).

---

۱. قُلِ اللَّهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَن تَشَاءُ وَ تَنزِعُ الْمُلْکَ مِمَّن تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِیَدِکَ الْخَیرُ إِنَّکَ عَلَیَ کلِّ شیْءٍ قَدِیرٌ(26)
تُولِجُ الَّیْلَ فِی النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِی الَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِ وَ تَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَیرِ حِسَابٍ(27)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کدهای استخراج‌شده از این دسته آیات، مفاهیمی مانند «مالکیت حقیقی خداوند بر اموال»، «رزاقیت الهی»، «بسط و تقدیر رزق»، «نعمت بودن ثروت»، «الهی بودن منشأ روزی» و «لزوم شکرگزاری در برابر نعمت‌های مالی» را دربرمی‌گیرد. مجموع این مفاهیم نشان می‌دهد که قرآن پیش از بیان احکام و الزامات اقتصادی، رابطه انسان با ثروت را بر پایه توحید بازتعریف می‌کند و هرگونه تصور استقلال انسان در تملک یا ایجاد ثروت را مردود می‌شمارد (البقره، ۵۷؛ القصص، ۷۸؛ الزمر، ۴۹). بنابراین گسترش یا محدودیت رزق نیز تابع اراده حکیمانه الهی است و نباید آن را به تنهایی نشانه کرامت یا خواری انسان تلقی کرد. فراخی یا تنگی روزی، گاهی، وسیله‌ای برای آزمون انسان در عرصه‌هایی مانند ایمان، شکرگزاری، صبر و نحوه بهره‌برداری از نعمت‌های الهی است. از این‌رو میزان دارایی معیار ارزش‌گذاری انسان نیست، بلکه چگونگی مواجهه او با ثروت، ارزش یا ضدارزش بودن آن را تعیین می‌کند (الفجر، ۱۵ و ۱۶؛ سبا، ۳۶؛ الملک، ۱۵).

در پرتو این یافته‌ها، ثروت در قرآن ماهیتی مستقل از نظام ارزشی الهی ندارد، بلکه امانتی الهی است که بهره‌برداری از آن باید در چارچوب مسئولیت انسان در برابر خداوند معنا یابد. از همین‌رو، پذیرش منشأ الهی ثروت، مبنای شکل‌گیری سایر آموزه‌های قرآنی درباره کسب، نگهداری، مصرف و توزیع ثروت به شمار می آید و زیربنای سایر مقوله‌های استخراج‌شده در این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

٤-١-٢. نحوهٔ نگرش به ثروت

دومین مقوله فرعی در ساحت هستی شناختی، «نحوه نگرش به ثروت» است. برپایه تحلیل داده‌های پژوهش، قرآن پس از تبیین منشأ الهی ثروت، به اصلاح نگرش انسان نسبت به آن می‌پردازد. براساس کدهای استخراج‌شده، ثروت در قرآن نه مطلوبی مطلق و نه امری ذاتاً مذموم است، بلکه ارزش آن تابع جایگاهی است که در منظومه ارزشی الهی می‌یابد. از این‌رو، قرآن از یک‌سو ثروت را نعمتی الهی، وسیله‌ای برای آبادانی زمین، تأمین

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نیازهای فردی و اجتماعی و زمینه‌ای برای تقرب به خداوند معرفی می‌کند و از سوی دیگر دربارهٔ تبدیل شدن آن به هدف نهایی زندگی یا معیار برتری انسان هشدار می‌دهد (البقره، ۲۶۱؛[1] الکهف، ۴۶؛ الحدید، ۲۰).

با بررسی دلایل ورود آیات به پیکره پژوهش روشن می‌شود که یکی از پرتکرارترین مضامین، نفی نگرش استقلالی به ثروت است. در این آیات، دلبستگی افراطی به مال، احساس امنیت ناشی از دارایی، فخرفروشی، تکاثر و سنجش منزلت انسان براساس میزان ثروت، از مهم‌ترین آسیب‌های نگرش نادرست به مال معرفی شده‌است. در مقابل، قرآن نگرشی را مطلوب می‌داند که در آن ثروت وسیله‌ای برای انجام مسئولیت‌های الهی و تحقق خیر فردی و اجتماعی باشد، نه غایتی که سایر ارزش‌ها از آن متأثر شوند (التکاثر، ۱ و ۲؛ الهمزه، ۱ تا ۳؛ القصص، ۷۶ تا ۸۲).

نکته دیگر اینکه قرآن میان «داشتن ثروت» و «دلبستگی به ثروت» تمایز قائل است. آنچه آیات قرآن نقد می‌کند، اصل برخورداری از نعمت‌های مادی نیست، بلکه وابستگی قلبی به مال، غفلت از یاد خدا، خودبرتربینی، غفلت از حقوق دیگران و تبدیل ثروت به معیار ارزش‌گذاری انسان است. از همین‌رو، در نمونه‌های متعدد، برخورداری مالی همراه با ایمان، شکرگزاری، انفاق و مسئولیت‌پذیری، امری مطلوب ارزیابی شده است، در حالی که همان ثروت، اگر به استکبار، بخل، اسراف یا غفلت بینجامد، ارزش خود را از دست می‌دهد.

برآیند این یافته‌ها این است که قرآن با اصلاح نگرش انسان درباره ثروت، زمینه فهم صحیح سایر آموزه‌های اقتصادی خود را فراهم می‌آورد. در این چارچوب، ثروت نه هدف زندگی، بلکه ابزاری برای تحقق ارزش‌های الهی است و ارزش آن همواره در نسبت با نحوه استفاده انسان از آن سنجیده می‌شود. بدین‌ترتیب، دو مقوله «منشأ حقیقی ثروت» و

---

۱. مَّثَلُ الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ یُضَاعِفُ لِمَن یَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِیم.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

«نحوه نگرش به ثروت» در کنار یکدیگر، ساحت هستی شناختی مدل مفهومی پـژوهش را شکل می دهند و بنیان نظری سایر ساحت های اخلاقی، اجتمـاعی، خـانوادگی و فـردی را فراهم می‌کنند.

٤-۲. جایگاه اخلاقی ثروت

تحلیل داده های پژوهش نشان می دهد که قرآن، ارزش اخلاقی ثـروت را نـه براسـاس میزان دارایی، بلکه بر مبنای چگونگی کسب و به‌کارگیری آن ارزیابی مـی‌کنـد. از ایـن‌رو، ثروت تنها زمانی در منظومه ارزشی قرآن جایگاهی مثبت مـی یابـد کـه فرآینـد تحصـیل، نگهداری و مصرف آن با معیارهای اخلاقی و احکام الهی هماهنگ باشد. بر اساس تحلیـل داده ها، این ساحت در دو مقوله فرعی «آداب و اخلاق در امور مالی» و «ممنوعیـت هـای مالی» سازمان یافته است.

٤-۲-۱. آداب و اخلاق در امور مالی

برپایه داده های پژوهش قرآن، فعالیت اقتصادی را صرفاً یک کنش معیشتی نمی داند، بلکه آن را عرصه‌ای برای ظهور فضایل اخلاقی معرفی می کند. برهمین اساس، بخش قابل تـوجهی از آیات پیکره پژوهش، به اصول و ارزش‌هایی اختصاص یافته است که سلامت روابط مـالی را تضمین کرده و فعالیت اقتصادی را در مسیر تحقق عدالت و تقرب الهی قرار می‌دهد.

کدهای استخراج‌شده از این آیات، مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی را آشکار می‌سازد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: رعایت امانت در اموال، وفای به عهد، صداقت در معاملات، ثبت و مستندسازی قراردادهای مالی، رعایت حقوق دوطرف معامله، ادای به موقـع بـدهی، پرهیز از تضییع حقوق دیگران، خوش رفتاری با بدهکاران، مهلت دادن بـه افـراد نـاتوان از پرداخت بدهی و ترجیح گذشت و احسان در روابط مالی (البقره، ۲۸۲ و ۲۸۳؛ المائده، ۱؛[1]

۱. يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُواْ أَوْفُواْ بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَمِ إِلَّا مَا يُتْلَىَ عَلَيْكُمْ غَيرَ مُحِلِّى الصَّيْدِ وَ أَنتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يحَكُـمُ مَا يُرِيد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

النساء، ۵۸؛ المطففین، ۱ تا ۳).

گفتنی است که این ارزش‌ها، توصیه‌هایی پراکنده و مستقل نیست، بلکه اجزای یک نظام اخلاق اقتصادی را تشکیل می‌دهد. در این نظام، اعتماد اجتماعی سرمایه‌ای هم‌سنگ سرمایه مالی تلقی می شود و رعایت اصول اخلاقی، شرط پایداری روابط اقتصادی معرفی می شود. از این‌رو، قرآن حتی در دقیق‌ترین تعامل‌های مالی نیز بر شفافیت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و حفظ حقوق اشخاص تأکید می‌کند و آن‌ها را بخشی از تعهد دینی انسان می‌شمارد.

بنابر یافته‌های پژوهش اخلاق مالی در قرآن صرفاً ناظر به رعایت حقوق قانونی نیست، بلکه رفتارهای مبتنی بر احسان، گذشت، مدارا و رعایت کرامت انسانی را نیز دربر می گیرد. به همین دلیل اگر فردی توان بازپرداخت بدهی را ندارد، قرآن فقط به الزام حقوقی بسنده نمی‌کند، بلکه مهلت دادن یا حتی گذشت از طلب را به‌عنوان رفتاری ارزشمند معرفی می کند. این رویکرد بیان گر آن است که روابط اقتصادی در منظومه ارزشی قرآن، افزون بر عدالت، بر پایه رحمت و احسان نیز سامان می‌یابد.

برآیند یافته‌ها اشاره دارد که از منظر قرآن، اخلاق مالی امری حاشیه‌ای یا تکمیلی نیست، بلکه یکی از ارکان اصلی ارزش گذاری ثروت به شمار می رود. بدین ترتیب، ثروتی که در چارچوب صداقت، امانت، عدالت و مسئولیت اجتماعی جریان یابد، واجد ارزش مثبت خواهد بود.

٤-۲-۲. ممنوعیت‌های مالی

مبتنی بر داده‌های پژوهش در منظومه ارزشی قرآن، سلامت اقتصادی فقط با توصیه به فضایل اخلاقی تحقق نمی یابد، بلکه مستلزم نفی و طرد رفتارهایی است که عدالت اقتصادی و کرامت انسانی را مخدوش می‌کند ازاین‌رو، در کنار آموزه‌های ایجابی، مجموعه‌ای از ممنوعیت‌های مالی نیز در قرآن تشریع شده است که مرزهای مشروعیت فعالیت اقتصادی را مشخص می‌کند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کدهای استخراج‌شده از آیات این مقوله نشان می‌دهد که مهم‌ترین ممنوعیت‌های مالی عبارت‌است از: ربا، کم‌فروشی و تقلب در معامله، خیانت در امانت‌های مالی، رشوه، تصرف ناروا در اموال دیگران، تضییع حقوق مالی یتیمان، احتکار و هرگونه کسب درآمد از راه‌های نامشروع (البقره، ۱۸۸، ۲۷۵ تا ۲۷۹؛ النساء، ۱۰ و ۲۹؛ المائده، ۴۲؛ المطففین، ۱ تا ۳[۱]).

پس از بررسی دلایل ورود این آیات به پیکره پژوهش مشخص می‌شود که وجه مشترک همه این ممنوعیت‌ها، اخلال در عدالت اقتصادی و نقض حقوق مالی افراد و جامعه است. به بیان دیگر، قرآن صرفاً برخی شیوه‌های کسب درآمد را تحریم نمی‌کند، بلکه هر نوع گردش ثروتی را که بر پایه ظلم، فریب، استثمار یا سوءاستفاده از موقعیت دیگران شکل گیرد، خارج از منظومه ارزش‌های الهی می‌داند. بنابراین، معیار اصلی در ارزیابی مشروعیت ثروت، فقط افزایش دارایی نیست، بلکه مشروعیت مسیر دستیابی به آن نیز اهمیت بنیادین دارد.

داده‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که قرآن میان «مالکیت» و «مشروعیت مالکیت» تفکیک قائل است. از منظر قرآن، صرف در اختیار داشتن مال، دلیل بر مشروعیت آن نیست، بلکه منشأ تحصیل ثروت باید با معیارهای الهی سازگار باشد. از همین‌رو، آیات مربوط به ربا، کسب مال از طریق نامشروع و تجاوز به حقوق مالی دیگران، در کنار یکدیگر شبکه‌ای از قواعد بازدارنده را تشکیل می‌دهند که هدف آن صیانت از سلامت اقتصاد و اعتماد عمومی است.

از سوی دیگر، بر مبنای تحلیل داده‌ها بسیاری از ممنوعیت‌های مالی قرآن فقط ناظر به روابط فردی نیست، بلکه آثار اجتماعی گسترده‌ای دارد. برای نمونه، ربا موجب تمرکز ثروت و گسترش نابرابری، کم فروشی موجب سلب اعتماد عمومی و تصرف در اموال یتیمان موجب آسیب‌پذیری اقشار ضعیف جامعه می‌شود. بدین‌ترتیب، ممنوعیت‌های مالی در قرآن، افزون بر صیانت از حقوق اشخاص، در خدمت حفظ عدالت اجتماعی و سلامت

---

۱. وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ(1) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُواْ عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ(2) وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يخْسِرُونَ(3).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

ساختار اقتصادی جامعه نیز قرار دارد.

برآیند این یافته‌ها نشان می‌دهد که قرآن، اخلاق اقتصادی را فقط با توصیه به رفتارهای پسندیده محقق نمی‌داند، بلکه با ترسیم مرزهای روشن میان درآمد مشروع و نامشروع، چارچوبی منسجم برای ارزش‌گذاری ثروت ارائه می‌کند. بر این‌اساس، ثروتی که از مسیرهای نامشروع به دست آمده باشد، حتی اگر موجب افزایش رفاه مادی شود، در منظومه ارزش‌های قرآن فاقد ارزش مثبت است، زیرا با عدالت، کرامت انسانی و مسئولیت الهی ناسازگار است.

٤-٣. جایگاه اجتماعی ثروت

تحلیل آیات این ساحت حکایت از رویکرد قرآن به کارکرد اجتماعی ثروت دارد که باید در جهت تحقق عدالت، همبستگی اجتماعی و کاهش نابرابری های اقتصادی به کار گرفته شود و صرفاً دارایی فردی به حساب نمی‌آید. بر همین‌اساس، ارزش اجتماعی ثروت در قرآن زمانی تحقق می‌یابد که گردش آن از مرز منافع فردی فراتر رود و در خدمت مصالح عمومی جامعه قرار گیرد. این ساحت از دو مقولهٔ فرعی «انفاق» و «توزیع عادلانه ثروت» تشکیل می‌شود.

٤-٣-١. انفاق و بخشش ثروت

بررسی آیات این مقوله حاکی از آن است که انفاق یکی از مهم ترین سازوکارهای قرآن برای جهت‌دهی اجتماعی به ثروت است. در این آیات، انفاق صرفاً یک عمل مستحب یا رفتار اخلاقی فردی نیست، بلکه جلوه‌ای از ایمان، شکرگزاری، عبودیت و مسئولیت اجتماعی انسان در برابر نعمت‌های الهی به شمار می‌آید. از این‌رو، قرآن از همان آغاز بر پیوند میان ایمان و انفاق تأکید می‌کند و انفاق را به منزله یکی از ویژگی‌های بنیادین مؤمنان معرفی کرده است (البقره، ۳؛ البقره، ۲۵۴؛ آل‌عمران، ۹۲).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

هم‌نشینی مفاهیم استخراج‌شده از آیات اشاره دارد که قرآن، انفاق را به معنای کاستن از دارایی نمی‌داند، بلکه آن را فرایندی برای تزکیه انسان و تغییر نسبت او با ثروت معرفی می‌کند. مفاهیمی همچون «انفاق از روزی الهی»، «انفاق از اموال محبوب»، «اخلاص در انفاق»، «پرهیز از منت و آزار در انفاق»، «اعتدال در بخشش» و «اولویت نیازمندان واقعی»، همگی بیان‌گر آن است که ارزش انفاق بیش از آنکه به مقدار مال وابسته باشد، به نیت، شیوه و آثار آن بستگی دارد (البقره، ۲۶۱ تا ۲۶۴؛ البقره، ۲۶۷؛ آل‌عمران، ۹۲؛ الانسان، ۸ و ۹).

مطالعه دلایل ورود آیات به پیکره پژوهش نیز نشان می‌دهد که انفاق در قرآن، علاوه بر کارکرد فردی، دارای کارکردی ساختاری در جامعه اسلامی است. این آیات، گردش بخشی از ثروت از صاحبان امکانات به سوی اقشار نیازمند را عاملی برای استحکام پیوندهای اجتماعی، کاهش فاصله‌های اقتصادی و جلوگیری از شکل‌گیری جامعه‌ای مبتنی بر محرومیت و انباشت ثروت در دست گروهی خاص معرفی می‌کند. از این رو، انفاق در منظومه ارزشی قرآن صرفاً یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه سازوکاری برای تحقق عدالت اجتماعی نیز به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، شبکه مفهومی آیات این مقوله اشاره به این نکته می‌کند که قرآن میان انفاق و برکت مادی نیز رابطه‌ای معنادار برقرار کرده است. برخلاف نگرش مادی که انفاق را کاهش دارایی می‌پندارد، قرآن آن را زمینه‌ساز فزونی برکت، رشد معنوی و پاداش الهی می‌داند. در این چارچوب، کاهش ظاهری مال به معنای کاهش حقیقی سرمایه انسان نیست، بلکه بخشی از آن به سرمایه‌ای ماندگار در نظام پاداش الهی تبدیل می‌شود (البقره، ۲۶۱؛ السبأ، ۳۹[۱]؛ الحدید، ۱۸).

آیات این مقوله در مجموع نشان‌دهنده دیدگاه قرآن درباره انفاق است که آن را مهم‌ترین شاخص اجتماعی ارزشمندی ثروت می‌داند، زیرا ثروت تا زمانی که در مسیر رفع

---

۱. قُلْ إِنَّ رَبِّی یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ یَقْدِرُ لَهُ وَ مَا أَنفَقْتُم مِّن شیَءٍ فَهُوَ یخْلِفُهُ وَ هُوَ خَیرُ‌الرَّازِقِین.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نیازهای جامعه و تحقق رضای الهی به جریان نیفتد، کارکرد مطلوب خود را در منظومه ارزش‌های الهی پیدا نخواهد کرد.

٤-۳-۲. توزیع عادلانهٔ ثروت

برپایه شبکه مفهومی آیات این مقوله، از منظر قرآن، عدالت اقتصادی با مشروعیت کسب ثروت تحقق نمی‌یابد، بلکه مستلزم گردش عادلانه آن در سطح جامعه است. از این‌رو، قرآن در کنار تأکید بر مالکیت مشروع، سازوکارهایی را پیش‌بینی می‌کند که از تمرکز نامتوازن ثروت جلوگیری و زمینهٔ بهره‌مندی اقشار مختلف جامعه از نعمت‌های الهی را فراهم کند.

کدهای استخراج شده از آیات این مقوله، مفاهیمی همچون «حق مالی نیازمندان در اموال توانگران»، «مصارف معین زکات»، «تقسیم عادلانه غنائم و انفال»، «رعایت حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر»، «گردش ثروت در جامعه» و «پرهیز از انحصارطلبی در کسب دارایی» را در بر می‌گیرد. هم‌نشینی این مفاهیم نشان از رویکرد قرآن به عدالت توزیعی دارد و آن را یکی از ارکان نظام اقتصادی خود می‌داند و نه تنها آن را صرفاً به رفتارهای داوطلبانه افراد واگذار نمی‌کند، بلکه گاهی آن را در قالب حقوق مالی و احکام الزام‌آور سامان می‌دهد (الحشر، ۷[۱]؛ التوبه، ۶۰؛ الانفال، ۴۱).

مطالعه دلایل ورود آیات به پیکره پژوهش بیان‌گر آن است که یکی از دغدغه‌های اصلی قرآن، جلوگیری از تمرکز ثروت در دست گروهی محدود است. این نگرش، صرفاً ناظر به کاهش فقر نیست، بلکه در پی حفظ تعادل اجتماعی و جلوگیری از شکل‌گیری مناسبات اقتصادی مبتنی بر انحصار، سلطه مالی و محرومیت ساختاری است. از این رو، آیاتی که درباره زکات، انفال، غنائم، حقوق خویشاوندان، یتیمان، مسکینان و در راه‌ماندگان

---

۱. مَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلىَ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَللهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِى الْقُرْبىَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كىَ لَا يَكُونَ دُولَةَ بَينَ الْأَغْنِيَاءِ مِنكُمْ وَ مَا ءَاتَىكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نهَىكُمْ عَنْهُ فَانتَهُواْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نازل شده است، در کنار یکدیگر شبکه‌ای هماهنگ از سازوکارهای توزیع ثروت را تشکیل می‌دهد که هدف مشترک آن، تحقق عدالت اجتماعی است.

نکته قابل توجه آن است که در این آیات، عدالت توزیعی از یک اصل عمیق‌تر سرچشمه می‌گیرد، اصلی که براساس آن، مالکیت حقیقی از آنِ خداوند است و انسان فقط در چارچوب اراده الهی حق تصرف در اموال را دارد. از این رو، حقوق مالی دیگران، محدودیتی بیرونی بر مالکیت انسان نیست، بلکه بخشی از ماهیت امانت داری او در برابر خداوند به شمار می رود. این پیوند میان مبانی هستی شناختی و الزامات اجتماعی، انسجام درونی منظومه ارزشی قرآن درباره ثروت را آشکار می‌سازد.

نتیجه تحلیل این مقوله این است که قرآن، عدالت اقتصادی را نه صرفاً نتیجه توزیع مجدد ثروت، بلکه محصول نگرشی توحیدی به مالکیت و مسئولیت انسان می داند. بدین ترتیب، توزیع عادلانه ثروت، ادامه طبیعی همان نگرشی است که در ساحت هستی‌شناختی، ثروت را نعمتی الهی و امانتی در اختیار انسان معرفی کرده بود. به همین دلیل، مقوله های «انفاق» و «توزیع عادلانه ثروت» در کنار یکدیگر، ساحت اجتماعی مدل مفهومی پژوهش را شکل می دهند و نشان می دهند که ارزش اجتماعی ثروت، در میزان مشارکت آن در تحقق عدالت و همبستگی اجتماعی سنجیده می‌شود، نه در حجم انباشت آن.

٤-٤. جایگاه خانوادگی ثروت

شبکه مفهومیِ برآمده از کدگذاری نظام‌مند داده‌های قرآنی، خانواده را نخستین بستر تحقق عدالت مالی و مسئولیت اقتصادی در منظومه ارزش‌های قرآن می‌داند. از این‌رو، قرآن روابط مالی اعضای خانواده را بخشی از نظام ارزشی حاکم بر ثروت تلقی می‌کند، نه موضوعی حقوقی. در این چارچوب، ثروت زمانی جایگاه ارزشی خود را حفظ می‌کند که در درون خانواده نیز بر پایه عدالت، مسئولیت‌پذیری و رعایت حقوق متقابل جریان یابد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

٤-٤-١. حقوق مالی خانواده

تحلیل نظام‌مند داده‌های قرآنی حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از آیات مرتبط با ثروت، به تنظیم حقوق مالی در نهاد خانواده اختصاص یافته است. کدهای استخراج‌شده از این آیات، مفاهیمی مانند وجوب نفقه، رعایت حقوق مالی همسر، تعیین و پرداخت مهریه، عدالت در تقسیم ارث، حمایت مالی از فرزندان، صیانت از اموال یتیمان، رعایت حقوق خویشاوندان و منع هرگونه تصرف ناروا در اموال اعضای خانواده را در برمی‌گیرد (النساء، ۲، ۴، ۷، ۱۱ و ۱۲؛ البقره، ۲۳۳[۱]).

هم‌نشینی این مفاهیم نشان می‌دهد که قرآن، خانواده را نخستین عرصه آزمون امانت‌داری انسان در قبال ثروت می‌داند. از این منظر، مسئولیت اقتصادی انسان پیش از آنکه در عرصه عمومی نمود یابد، در محیط خانواده معنا پیدا می‌کند. از این‌رو، رعایت حقوق مالی همسر، فرزندان و سایر صاحبان حق، فقط برای یک حکم فقهی نیست، بلکه تجلی عملی پایبندی به منظومه ارزش‌های الهی در نزدیک‌ترین نهاد اجتماعی است. قرآن، بیش از آنکه بر انتقال ثروت تمرکز داشته باشد، بر انتقال عادلانه و مسئولانه آن تأکید می‌کند. به همین دلیل، احکام مربوط به ارث، مهریه، نفقه و اموال یتیمان، اگرچه در ظاهر موضوعاتی مستقل به نظر می‌رسند، اما در سطحی عمیق‌تر، همگی در راستای یک هدف مشترک قرار دارند و آن جلوگیری از تضییع حقوق مالی اعضای خانواده و استقرار عدالت در مناسبات اقتصادی خانوادگی است.

از سوی دیگر و براساس تحلیل داده‌ها، قرآن آسیب‌پذیرترین اعضای خانواده را در کانون حمایت مالی خود قرار داده است. تأکید مکرر بر حفظ اموال یتیمان، رعایت حقوق زنان در ارث و مهریه و الزام تأمین معاش افراد تحت سرپرستی، بیان گر آن است که ارزش ثروت در

---

۱. وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَن يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَالِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالاً عَن تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدتُّمْ أَن تَسْتَرْضِعُواْ أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُم مَّا ءَاتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ اعْلَمُواْ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

قرآن با میزان حمایت آن از صاحبان حق نیز سنجیده می شود. بدین ترتیب ثروتی کـه بـه بهـای تضییع حقوق اعضای خانواده به دست آید یا حفظ شود، از منظر قرآن بی‌ارزش است.

برپایه تحلیل داده‌های این مقوله خـانواده در مـدل مفهـومی پـژوهش، صـرفاً یکـی از حوزه‌های مصرف ثروت نیست، بلکـه حلقـه واسـط میـان مسـئولیت فـردی و مسـئولیت اجتماعی است. ازاین رو، رعایت حقوق مالی خانواده، پیوندی منطقی میان ساحت اخلاقـی و ساحت اجتماعی برقرار می‌کند و نشان می دهد که تحقق عدالت اجتماعی، بدون اسـتقرار عدالت مالی در خانواده امکان‌پذیر نخواهد بود.

٤-٥. جایگاه فردی ثروت

براساس کدگذاری نظام‌مند داده‌های قرآنی در این بخش در منظومه ارزش‌هـای قـرآن، مسئولیت انسان درباره ثروت فقط در عرصه تولید، کسب یا توزیع آن خلاصـه نمـی‌شـود، بلکه نحوه بهره‌برداری و مصرف ثروت نیز یکـی از مؤلفـه‌هـای اساسـی ارزش‌گـذاری آن است. به همین دلیل قرآن مدیریت مصرف را آخرین حلقه زنجیره مسئولیت اقتصادی انسان می‌داند، حلقه‌ای که در آن نتایج نگرش هستی‌شناختی، الزامات اخلاقـی و مسـئولیت‌هـای اجتماعی به رفتار عملی فرد تبدیل می‌شود.

٤-٥-١. مدیریت مصرف ثروت شخصی

ثمره تحلیل نظام‌مند داده‌های قرآنی این است که مدیریت مصـرف در قـرآن نـاظر بـه سامان‌دهی مصرف بر اساس معیارهای ارزشی اسـت. کـدهای اسـتخراج‌شـده از داده‌هـا، مفاهیمی همچون اعتدال در مصـرف، پرهیـز از اسـراف و تبـذیر، بهـره‌گیـری مشـروع از نعمت‌های الهی، اولویت‌بندی نیازهـا، شـکرگزاری عملـی از نعمـت‌هـا، پرهیـز از بخـل و سخت‌گیری ناروا و رعایت میانه‌روی در بخشش و انفاق را دربرمی‌گیـرد (الاعـراف، ۳۱[1]؛

---

۱. یَابَنِی ءَادَمَ خُذُواْ زِینَتَکمُ عِندَ کلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُواْ وَ اشرَبُواْ وَ لَا تُسرِفُواْ إِنَّهُ لَا یحُبُّ الْمُسرِفِین.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

الاسراء، ۲۶ و ۲۷؛ الفرقان، ۶۷؛ البقره، ۱۹۵).

هم‌نشینی این مفاهیم بیانگر آن است که قرآن، مصرف ثروت و دارایی را یکی از عرصه‌های تحقق عبودیت می‌داند. از این منظر، همان‌گونه که شیوه کسب ثروت باید مشروع باشد، شیوه مصرف آن نیز باید با معیارهای الهی هماهنگ باشد. بدین ترتیب اسراف، تبذیر و بخل، اگرچه رفتارهایی متفاوت‌اند، هر سه از یک ریشه مشترک ناشی می‌شوند و آن خروج از تعادل مدنظر قرآن در بهره‌برداری از نعمت‌های الهی است.

براساس آیات اصل حاکم بر مدیریت مصرف، اصل اعتدال است. براساس این اصل، نه محروم ساختن خویش از نعمت های حلال مطلوب است و نه زیاده روی و مصرف نمایشی. قرآن بهره‌مندی از روزی‌های پاکیزه الهی را امری مشروع می‌داند، اما هم‌زمان انسان را از هرگونه مصرفی که به اتلاف منابع، غفلت از مسئولیت‌های اجتماعی یا شکل‌گیری روحیه تفاخر و تجمل‌گرایی بینجامد، بازمی‌دارد.

از سوی دیگر داده‌ها نشان از آن دارد که مدیریت مصرف در قرآن، رابطه‌ای مستقیم با مسئولیت اجتماعی انسان دارد. هنگامی که بخشی از جامعه از حداقل امکانات زندگی محروم است، مصرف افراطی و تجمل گرایی، رفتاری ناسازگار با ارزش های الهی تلقی می‌شود. از همین‌رو، اعتدال در مصرف، افزون بر آثار فردی، به تحقق عدالت اجتماعی و توزیع متوازن امکانات نیز یاری می‌رساند.

در مجموع مدیریت مصرف، تکمیل‌کننده سایر ساحت‌های مدل مفهومی پژوهش است. اگر منشأ الهی ثروت، نگرش انسان را اصلاح می کند، اگر اخلاق مالی، مسیر کسب ثروت را سامان می دهد، اگر مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی، نحوه گردش آن را تنظیم می کنند، مدیریت مصرف نیز نحوه بهره برداری از این نعمت الهی را در زندگی فردی جهت‌دهی می‌کند. بدین‌ترتیب پنج ساحت استخراج‌شده از داده‌های قرآنی، حلقه‌های به‌هم‌پیوسته یک نظام ارزشی واحد را تشکیل می‌دهند که همگی ذیل مقوله هسته پژوهش معنا پیدا می‌کنند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

٤-۶. تبیین مقولهٔ هسته و مدل مفهومی

با تحلیل نظام‌مند ۱۶۲ مدخل قرآنی این نتیجه به‌دست می‌آید که داده‌های پـژوهش، از مجموعه‌ای از احکام و توصیه‌های پراکنده اقتصادی فراتر رفته و بـه بازسـازی یـک نظـام منسجم از ارزش‌های حاکم بر ثروت و مـدیریت مـالی منتهـی شـده‌اسـت. در ایـن نظـام، هیچ‌یک از مؤلفه‌های مرتبط با ثروت به‌صورت مستقل تبیین‌شدنی نیست، بلکه همگـی در پرتو یک چارچوب ارزشی واحد معنا می‌یابد.

از این‌رو، مقوله هسته پژوهش، یعنی «جایگاه ارزشی ثروت و مدیریت مـالی در قـرآن تابع منظومه ارزش های الهی است»، صرفاً یک گزارهٔ توصیفی نیست، بلکه چکیـده نظریـه برآمده از تحلیل داده های قرآنی است. این مقوله بیان‌گر آن است که در منطق قرآن، ارزش ثروت نه به میزان انباشت آن و نه به کارکرد اقتصادی آن وابسته است، بلکه جایگاه ارزشی آن در نسبت با مجموعه‌ای از ارزش‌های الهـی تعیـین مـی‌شـود. در ادامـه مـدل مفهـومی پژوهش براساس آنچه تاکنون گفته شد، از نظر می‌گذرد.

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

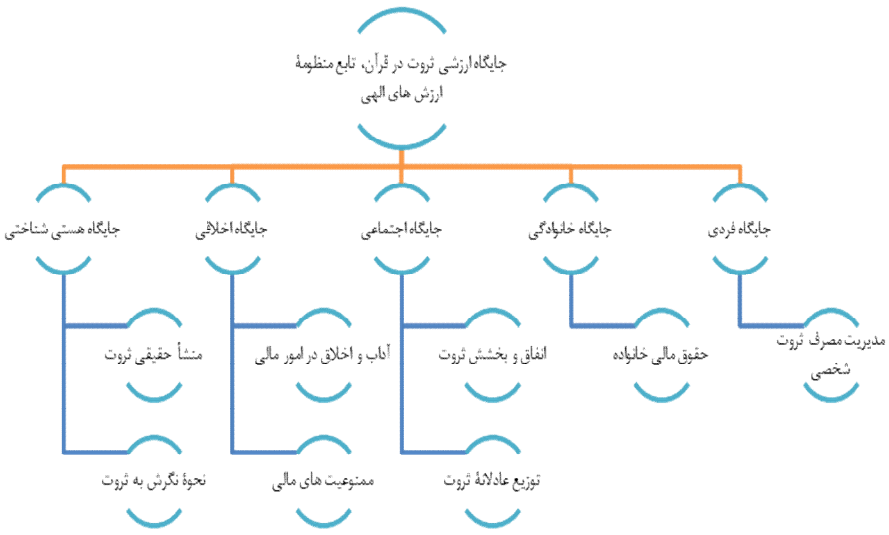

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

نتایج مقاله

۱. پژوهش حاضر با هدف بازسازی جایگاه ثروت و مدیریت مالی در منظومه ارزش‌های قرآن کریم و با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. برآیند تحلیل نظام‌مند ۱۶۲ مدخل قرآنی نشان داد که قرآن، ثروت را نه پدیده‌ای ذاتاً مطلوب و نه امری ذاتاً مذموم معرفی می‌کند، بلکه جایگاه ارزشی آن را در نسبت با منظومه‌ای از ارزش‌های الهی تبیین کرده است. ازاین‌رو، ارزش یا ضدارزش بودن ثروت، تابع چگونگی پیوند آن با مبانی توحیدی، الزامات اخلاقی، مسئولیت‌های خانوادگی، کارکردهای اجتماعی و شیوه بهره‌برداری فرد از آن است.

۲. فرایند کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌های قرآنی به استخراج پنج ساحت اصلی شامل جایگاه هستی‌شناختی، اخلاقی، خانوادگی، اجتماعی و فردی انجامید. این ساحت‌ها در کنار یکدیگر، الگویی منسجم از نگرش قرآن به ثروت ارائه می‌کنند و نشان می‌دهند که هیچ‌یک از ابعاد اقتصادی ثروت را نمی‌توان مستقل از سایر ابعاد آن تحلیل کرد. براین‌اساس، مقوله هسته پژوهش، یعنی «جایگاه ارزشی ثروت و مدیریت مالی در قرآن تابع منظومه ارزش‌های الهی است»، نظریه برآمده از تحلیل داده‌های قرآنی است که روابط میان مقوله‌های اصلی و فرعی را تبیین می‌کند.

۳. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که آموزه‌های قرآنی درباره ثروت، از سطح احکام و توصیه‌های پراکنده فراتر رفته‌است و نظامی هماهنگ از ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد. در این نظام، منشأ الهی ثروت، مبنای نگرش انسان به مال را شکل داده‌است، اصول اخلاقی، مشروعیت رفتارهای مالی را تعیین می‌کند، حقوق مالی خانواده، عدالت را در بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی تضمین می‌کند، سازوکارهای اجتماعی، ثروت را در خدمت عدالت و همبستگی اجتماعی قرار می‌دهد و مدیریت مصرف، بهره‌برداری از نعمت‌های الهی را در چارچوب اعتدال و مسئولیت‌پذیری سامان می‌دهد. بدین‌ترتیب، هر یک از این ساحت‌ها بخشی از یک ساختار ارزشی واحد را تشکیل می‌دهد و در پیوند با یکدیگر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

قابل فهم هستند.

۴. در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، مدل مفهومی ارائه‌شده در این تحقیق را در سایر حوزه‌های اقتصادی قرآن مانند تولید، کار، مصرف، عدالت اقتصادی و حکمرانی مالی آزمون کنند و توسعه بخشند و همچنین ظرفیت‌های این مدل را در مقایسه با نظریه‌های معاصر اخلاق اقتصادی و اقتصاد اسلامی بررسی کنند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]

کتابشناسی

۱. قرآن مجید.

۲. استراوس آنسلم و کوربین جولیت، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی ـ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.

۳. دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ آذر، عادل؛. روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهـران: انتشارات صفار ـ اشراقی ۱۳۸۳.

۴. دانایی فرد، حسن؛ تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیـادین. دوماهنامـه علمی ـ پژوهشی دانشور رفتار دانشگاه شاهد سال دوازدهم ـ دوره جدید شماره ۱۱ تیر ۱۳۸۴.

۵. عزتی مرتضی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ اول، تهـران، موسسـه تحقیقـات اقتصـادی دانشـگاه تربیـت مدرس، ۱۳۷۶.

۶. فیروزان، توفیق، روش تحلیل محتوا، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۰.

۷. کریپندورف، کلوس، مبانی روش شناسی تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نائینی، انتشارات روش، ۱۳۷۸.

۸. کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات توتیا، چاپ ششم، ۱۳۸۱.

۹. هولستی، اُل.آر، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشـگاه علامـه طباطبایی، ۱۳۷۳.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-24]